

Assessment New Institution of the Mechanism of the United Nations for the International Criminal Courts

(Type of Paper: Research Article)

Mahdi Hadday^{1*}, Seyyedeh Fatemeh Khalilinezhad²

Abstract

The International Criminal Courts for the Former Yugoslavia and Rwanda, respectively, were established by the Security Council in 1993 and 1994, according to resolutions 827 and 955. Extensive costs, complex missions, and slowness of proceedings have led to a decision to create strategies to complete the Court's mission by 2010. The Council issued a resolution of 1966 to establish a new mechanism to speed up the completion of the trials and fight against the remaining fugitives. The Mechanism with a small, low cost and temporary structure; however, having two branches in two separate continents, has attempted to complete and continue the multiple functions of the Courts, while still having its own challenges and problems in structure and operation. In the present study, it has been tried to answer the question with a precise evaluation of the structure and functions of the Mechanism that the Mechanism is merely a substitute for the Courts, or is a new model created in criminal proceedings. By studying the founding documents of this institution, it can be seen that the new structural mechanism in the international criminal justice system. Other courts can use it to handle different situations.

Keywords

International Criminal Court for Former Yugoslavia and Rwanda, Security Council, Resolution 1966, United Nations Mechanism for International Criminal Tribunals.

1. Assistant Prof., Department of International Law, Faculty of Law, University of Tehran, College of Farabi, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: mhaddady@ut.ac.ir
2. MA. in International Law, Faculty of Law, University of Tehran, College of Farabi, Qom, Iran. Email: f.khalilinezhad@yahoo.com

Received: April 20, 2020 - Accepted: July 12, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارزیابی نهاد جدید مکانیسم ملل متحد برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

مهدی حدادی^{۱*}، سیده فاطمه خلیلی نژاد^۲

چکیده

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت طی قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ تأسیس شدند. هزینه‌های فراوان، حجم مأموریت سنگین، کند بودن رسیدگی‌ها، موجب تصمیم‌گیری برای ایجاد راهبردهایی شد که مأموریت دادگاه‌ها را تا سال ۲۰۱۰ تکمیل کند. به‌منظور سرعت بخشیدن به تکمیل اقدامات دادگاه‌ها و مبارزه با بی‌کیفری در برابر متهمان باقی‌مانده، شورا با صدور قطعنامه ۱۹۶۶ سازوکار جدیدی را تأسیس کرد. مکانیسم با ساختار کوچک، کم‌هزینه و موقتی؛ در عین حال دارا بودن دو شعبه در دو قاره جداگانه، در پی تکمیل و استمرار کارکردهای چندگانه دادگاه‌ها برآمد و چالش‌ها و مشکلاتی در ساختار و عملکرد دارد. در پژوهش حاضر، سعی شده است از طریق روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ داده شود که مکانیسم صرفاً جایگزین دادگاه‌هاست یا مدل جدیدی در رسیدگی‌های کیفری ایجاد شده است. با مطالعه اسناد تأسیس این نهاد درمی‌یابیم که مکانیسم ساختاری جدید در نظام عدالت کیفری بین‌المللی است. دادگاه‌های دیگر می‌توانند در رسیدگی به وضعیت‌های مختلف، از آن استفاده کنند.

کلیدواژگان

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا، شورای امنیت، قطعنامه ۱۹۶۶، مکانیسم ملل متحد برای دادگاه‌های بین‌المللی کیفری.

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mhaddady@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
Email: f.khalilinezhad@yahoo.com

مقدمه

با توجه به موقتی بودن دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا، همچنین مشکلاتی که در عرصه عمل داشتند (از جمله روند کند رسیدگی‌ها و هزینه‌های زیاد)، شورای امنیت در پی ایجاد نهادی برای تکمیل کارهای باقی‌مانده دو دادگاه بود و در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۶۶ را صادر کرد که به موجب آن مکانیسمی برای انجام کارهای باقی‌مانده دادگاه یوگسلاوی و دادگاه رواندا طراحی شد.

اهمیت وجود سازوکار زمانی آشکار می‌شود که مأموریت دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا پایان یافته است. از طرف دیگر، هشت نفر تحت تعقیب باقی مانده‌اند و نیز آرشیو این دو نهاد نیازمند حفاظت است. رسیدگی به درخواست‌های تجدیدنظر و مساعدت با محاکم ملی در مواردی که حکم در حال اجراست، حفاظت از قربانیان و شاهدان جرائم، نظارت بر نحوه اجرای احکام، وجود نهادی که بدون اطاله و هزینه زیاد، کارهای باقی‌مانده دو نهاد را پیگیری کند، آشکار می‌سازد. پاسخ به این پرسش که آیا عملکرد مکانیسم دقیقاً همان است که در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا دیده شده است و آیین دادرسی و نوآوری‌های مخصوص به خود را دارد، نیازمند بررسی است. چالش‌هایی که این مکانیسم در خصوص انجام محاکمات روبه‌روست، باید مورد مذاکره قرار گیرد. آینده عدالت کیفری بین‌المللی مسئله‌ای است که تحت تأثیر این مکانیسم خواهد بود. با توجه به ساختار و مسئولیت‌های مکانیسم ملل متحد برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و دقت بر چالش‌ها و مشکلات پیش روی مکانیسم به‌منظور تکمیل کارهای باقی‌مانده محاکم کیفری بین‌المللی، موضوع حاضر در قالب پژوهش مطرح شد. پژوهش‌های قبلی، به‌صورت مختصر به این بحث پرداخته‌اند. از جمله کتاب حقوق بین‌الملل کیفری نوشته راجر اوکیف، نویسنده مکانیسم دادگاه‌ها را به‌صورت خلاصه ارزیابی کرده است. در کتاب عدالت کیفری بین‌المللی در دیوان یوگسلاوی نوشته محمد شهاب‌الدین، به‌صورت مختصر به ساختار مکانیسم اشاره شده است. در آخرین فصل کتاب میراث دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق عملکردهای مکانیسم ارزیابی شده است. در مقاله «ساختار، عملکرد و وظایف اولیه مکانیسم دیوان‌های کیفری بین‌المللی»، از ضرورت‌های ایجاد مکانیسم سخن گفته شده است. همچنین پرونده‌هایی که اخیراً در مکانیسم رسیدگی شده نیز مورد توجه نویسندگان واقع شده است. تفاوت بارز مقاله حاضر با مقالات پیشین در این است که بسیاری از آنها صرفاً ساختار مکانیسم را مورد توجه قرار داده‌اند، درحالی‌که در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که آیا مکانیسم مدل جدیدی در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی است؟ آیا در نظام عدالت کیفری بین‌المللی نمونه‌ای جدید است که از این پس مورد استفاده دیگر نهادهای کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد یا صرفاً جانشین دادگاه‌ها در جهت اختتام مأموریتشان است؟

این مقاله از شش قسمت تشکیل شده است؛ معرفی مکانیسم و علل تأسیس نهاد مذکور در قسمت اول و دوم مورد توجه است؛ پیدایش نهاد جدید توسط شورای امنیت در قسمت سوم و در قسمت چهارم مبانی مشروعیت نهاد جدید در بخش‌های جداگانه مطرح شده است؛ نوآوری‌های نهاد و در عین حال چالش‌هایی آن در قسمت بعدی آمده است؛ تأثیر مکانیسم در آینده عدالت کیفری بین‌المللی و دیگر نهادهای رسیدگی‌کننده موضوع قسمت آخر است. در بخش‌های مختلف مقاله از اسناد تأسیس دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا استفاده شده است. همچنین در روند نگارش مقاله، قطعنامه شورای امنیت در مورد تأسیس مکانیسم، اساسنامه و قواعد رسیدگی، گزارش سالانه مکانیسم به شورای امنیت نیز مورد توجه بوده است.

معرفی مکانیسم

پس از پایان جنگ جهانی دوم، دادگاه یوگسلاوی و دادگاه رواندا اولین دادگاه‌هایی بودند که به تعقیب و محاکمه ناقضان حقوق بشر دوستانه پرداختند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نهادهای موقتی بودند که با توجه به صلاحیت محدودشان، پایان یافتن حیات آنها پیش‌بینی‌پذیر بود. شورای امنیت لزوم پایان‌بخشی به مأموریت دادگاه‌ها را در قطعنامه‌های متعددی مطرح کرد؛ از جمله مهم‌ترین آنها قطعنامه‌های ۱۵۰۳ و ۱۵۳۴ است. براساس قطعنامه ۱۵۰۳ لزوم تکمیل محاکمات دادگاه‌ها تا پایان ۲۰۰۸ و اختتام تمامی امور تا سال ۲۰۱۰ از سوی شورای امنیت دستور داده شد. همچنین طی قطعنامه ۱۵۳۴، اهمیت خط‌مشی دادگاه‌ها در اختتام مأموریتشان مطرح شد. در نهایت دادگاه رواندا در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ به کار خود پایان داد. دادگاه یوگسلاوی نیز در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۷ مأموریت خود را تکمیل کرد. متعاقب قطعنامه‌های شورای امنیت، قطعنامه ۱۹۶۶ در سال ۲۰۱۰ با رأی موافق و یک رأی ممتنع روسیه به تصویب در شورا رسید. اساسنامه مکانیسم ملل متحد برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز ضمیمه آن شد (Galand, 2017: 5).

مکانیسم دارای دو شعبه در دو کشور مختلف است؛ یک شعبه در لاهه در کشور هلند واقع شده است که کار خود را از ۱ جولای ۲۰۱۳ آغاز کرد. شعبه دیگر در آروشا واقع در تانزانیاست که از ۱ جولای ۲۰۱۲ فعالیت می‌کند. ارگان‌های نهاد به سه قسمت محاکم رسیدگی، دادستانی و دبیرخانه تقسیم می‌شوند. محاکم شامل بخش بدوی و تجدیدنظر است. محکمه تجدیدنظر به صورت مشترک برای شعبه لاهه و تانزانیا فعال است. این در حالی است که هر شعبه مکانیسم محاکم بدوی مخصوص به خود را دارد (SC Resolution 1966 Annex 1, 2010: Art. 3). در خصوص وظایف این نهاد باید دانست که مکانیسم به‌خودی‌خود کارکردی ندارد و در

واقع وظایف دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را در نبود آنها انجام می‌دهد. با توجه به رویکرد شورای امنیت در قبال دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در این خصوص که باید این نهادها موقتی باشند، به نظر می‌رسد وجود نهادی که وظایف آنها را به اتمام رساند، ضرورت دارد. رسیدگی‌های بدوی، تجدیدنظرخواهی، اعاده دادرسی، محاکمه موارد اهانت به محاکم و شهادت کذب در برابر آنها، ردیابی متواریان باقی‌مانده، اجرای احکام و نظارت بر پرونده‌های ارجاع‌شده به محاکم ملی، عملکردهای موقتی مکانیسم است که باید خاتمه یابند.

عملکردهای مستمر دادگاه‌های کیفری در پیشبرد عدالت کیفری تأثیرگذارند. این عملکردها پس از اختتام مأموریت دادگاه‌ها از طریق مکانیسم تداوم یافتند. در نبود دادگاه‌ها به دلیل اهمیت این وظایف، شورای امنیت با تأسیس مدل مکانیسم سعی در حفظ و تداوم کارکردهای مستمر داشته است. حمایت از قربانیان و شهود، مدیریت آرشو دادگاه‌ها و مکانیسم، مساعدت به دولت‌ها، ارجاع پرونده‌ها به محاکم ملی، نظارت بر روند اجرای احکام، عملکردهای مداوم مکانیسم هستند.

علل تأسیس مکانیسم

مکانیسم ملل متحد برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در پایان مأموریت دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا شکل گرفت. چرا شورای امنیت سازمان ملل به سمت ایجاد مکانیسم سوق داده شد؟ همچنین مکانیسم ملل متحد چگونه ایجاد شد و چه راهبردهایی برای پایان دادن به مأموریت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اتخاذ شد.

۱. نقد عملکرد دادگاه‌ها

ضعف‌های دو دادگاه در تصمیم شورای امنیت برای تسریع در روند تکمیل مأموریتشان مؤثر بود. میلیون‌ها دلار هزینه این دو دادگاه بود. ساختار بوروکراتیک علاوه بر صرف هزینه‌های فراوان در این دادگاه‌ها مورد نقد بود (Cryer, 2010: 135). در دادگاه رواندا، تأخیر در رسیدگی‌ها واکنش‌های منفی در پی داشت (Cryer, 2010: 135). بازداشت نکردن هشت نفر از متواریان دادگاه رواندا که در آن میان سه نفر از متهمان خطرناک بودند نیز بر انتقادات افزود (Goldstone, 2015: 119). سیاسی بودن دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز سؤالاتی را برانگیخت. بسیاری این دو نهاد را ناشی از قدرت‌های شورای امنیت می‌دانند، چراکه تحقیقی در خصوص جرائم صورت گرفته توسط اعضای دائمی شورای امنیت (ناتو) انجام نگرفت. همچنین گزارش‌ها بیانگر عدم اجرای کامل مقررات این دادگاه در برخی حوزه‌ها از جمله حمایت از قربانیان و شهود است (طباطبایی و میری، ۱۳۸۴: ۶۰). با وجود انتقادات بر دادگاه‌ها از جمله

صرف هزینه‌های گزاف و به طول انجامیدن مأموریتشان، شورای امنیت در قطعنامه‌های متعدد لزوم پایان‌بخشی به مأموریت دادگاه‌ها را مطرح کرد.

۲. لزوم استمرار کارکردهای قضایی

از مهم‌ترین دلایل تأسیس مکانیسم، تداوم عملکردهای مستمر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. عملکردهای مستمر در پیشبرد عدالت کیفری تأثیرگذارند. این عملکردها پس از اختتام مأموریت دادگاه‌ها توسط مکانیسم تداوم یافتند. به دلیل اهمیت این وظایف، شورای امنیت با تأسیس مدل مکانیسم سعی در حفظ و تداوم انجام کارکردهای مستمر داشته است. حمایت از قربانیان و شهود، مدیریت آرشیو دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و همچنین مکانیسم، مساعدت به دولت‌ها، ارجاع پرونده‌ها به محاکم ملی، نظارت بر روند اجرای احکام عملکردهای مداوم مکانیسم هستند. تأسیس مکانیسم همچنین ساختاری در جهت مبارزه با بی‌کیفری است (رحیمی، ۱۳۹۲: ۸۹).

پیدایش نهاد جدید ملل متحد

فرایند شکل‌گیری مکانیسم ملل متحد از اوایل سال ۲۰۰۰ آغاز شد. شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۰۳ تکمیل محاکمات دادگاه‌ها تا پایان ۲۰۰۸ و اختتام تمامی امور را تا سال ۲۰۱۰ خواستار شد. در قطعنامه ۱۵۳۴ اهمیت خطمشی دادگاه‌ها در اختتام مأموریتشان مطرح می‌شود. به‌منظور انجام هرچه سریع‌تر و مؤثر اختتام فعالیت دادگاه‌ها، خواست شورا تمرکز بر متهمان اصلی جرائم تحت صلاحیت دادگاه‌ها بود. ارجاع پرونده مجرمان غیراصولی به محاکم ملی از دیگر راه‌های پایان‌بخشی به مأموریت دادگاه‌ها قلمداد شد. تشکیل شعبه جرائم جنگی در بوسنی و هرزگوین برای رسیدگی به موارد و اتهامات غیراصولی و همکاری دولت‌ها در بازداشت و توقیف متهمان، گام مهمی در تکمیل مأموریت دادگاه‌ها بود. از این‌رو، همکاری دولت‌ها با سازمان پلیس جنایی بین‌الملل در توقیف و تحویل متهمان دادگاه‌ها اهمیت داشت. مقابله با اقدامات افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که متهمان را در فرار کردن از عدالت کیفری یاری می‌کنند، از دیگر اقدامات دادگاه‌ها از طریق محدودیت وارد کردن بر سفر و دارایی این افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بود. به‌منظور انجام راهبردهای تکمیل^۱ در قطعنامه ۱۵۰۳، اداره دادستانی دو دادگاه از یکدیگر تفکیک شد (SC Resolution 1503, 2003: para. 8). در نهایت قطعنامه ۱۹۶۶ سال ۲۰۱۰ با ضمیمه شدن اساسنامه مکانیسم، توسط شورای امنیت و با رأی موافق و یک رأی ممتنع از سوی روسیه به تصویب رسید (Galand, 2017: 5).

با وجود ابهام در صلاحیت زمانی دادگاه یوگسلاوی، نمی‌توان بازه زمانی آن را فراتر از زمان اعاده صلح و امنیت در یوگسلاوی سابق دانست (O'keefe, 2015: 495). به همین منظور شورای امنیت برای اعاده صلح و امنیت خواهان همکاری دادگاه در زمینه جرائم بعدی (وضعیت کوزوو) شد (ذاکریان و آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). در مورد دادگاه رواندا در ماده ۱ اساسنامه آن صلاحیت زمانی آن از ۱ ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ است (SC Resolution 955 Annex, Art. 1: 1992). از این رو، شورای امنیت با تأسیس مکانیسم اهدافی را دنبال می‌کرد؛ از جمله تأکید بر خاتمه فعالیت دادگاهها (Galand, 2017: 11). با خاتمه مأموریت دادگاهها بدون تعریف ساختاری برای برخورد با متواریان باقی‌مانده که بعضاً در میانشان متهمان خطرناکی وجود دارند، تهدید علیه صلح، همچنان پایدار می‌ماند. شورا با تأسیس نهادی با هزینه‌های کمتر سعی در ایجاد ساختاری برای مقابله با بی‌کیفری داشت (Galand, 2017: 12).

ارزیابی مشروعیت مکانیسم

مکانیسم در شرایطی ایجاد شد که جنگ و تهدید در منطقه بالکان و همچنین ژنوسید در رواندا وجود نداشت. با در نظر گرفتن این موضوع چگونه می‌توان ایجاد مکانیسم را توجیه کرد؟ در سند تأسیس مکانیسم به صراحت در خصوص امکان ارزیابی مشروعیت این نهاد توسط خود مکانیسم مطلبی بیان نشده است. با توجه به رویه دادگاه یوگسلاوی در قضیه تادیچ می‌توان برای احراز مشروعیت، به مکانیسم صلاحیت داد. دلایل مشروعیت تأسیس مکانیسم در بندهای جداگانه طرح شده است.

۱. اختیارات وسیع شورای امنیت

شورای امنیت «محدوده وسیعی از اختیارات»^۱ دارد. بدین ترتیب شورا با اعمال اقدامات مناسب و ارزیابی آن، می‌تواند در حفظ و اعاده صلح بین‌المللی نقش مؤثری داشته باشد. براساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد، شورای امنیت محدودیتی در اعمال اقداماتی که فاقد ماهیت مسلحانه است، ندارد (O'keefe, 2015: 491-492). در تصمیم شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در قضیه تادیچ، نیز محدوده وسیع اختیارات شورای امنیت در وضعیت‌های تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه ذکر شده است (ICTY, 1995: para. 31). به نظر می‌رسد ایجاد مکانیسم همانند دادگاه یوگسلاوی در جهت حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است، که شورا با اختیارات وسیعش و با توسل به فصل هفتم منشور به آن اقدام کرده است. در واقع عدم تعیین چنین نهادی از سوی شورای امنیت و در عین حال به پایان رسیدن مأموریت دادگاهها،

1. The Wide Margin of Discretion

می‌تواند تهدید علیه صلح در سرزمین یوگسلاوی سابق و رواندا قلمداد شود (Donlon, 2013: 221). در نتیجه ایجاد مکانیسم با توجه به مبارزه با بی‌کیفری می‌تواند در حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد (SC Resolution 1966, 2010: para. 4 & 5). با پذیرش اختیارات گسترده شورای امنیت در توسل به ماده ۴۱ منشور و اینکه نمونه‌های ذکر شده در این ماده صرفاً تمثیلی‌اند، پرسش این است که چرا شورای امنیت در رویه خود دادگاه‌سازی را در پیش گرفته است؟ موارد ذکر شده در ماده ۴۱ منشور، از نوع اقدامات قضایی نیستند. «به نظر می‌رسد که شورا بتواند، براساس ماده ۴۱ هر گونه تصمیمی به‌جز کاربرد زور، به‌شرط آنکه برای برقراری مجدد صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد، اتخاذ نماید» (بیگزاده، ۱۳۷۴: ۶۴).

۲. رضایت ضمنی جامعه بین‌المللی

سکوت مجمع عمومی به‌عنوان رکن جامع سازمان ملل، در خصوص تشکیل مکانیسم و همکاری در انتخاب قضات آن (Cassese, 2012: 495) و ارائه گزارش‌های سالانه به مجمع عمومی از سوی مکانیسم بر پذیرش چنین نهادی از سوی جامعه بین‌المللی دلالت دارد. مجمع عمومی سازمان ملل و دولت‌ها و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با سکوت مهر تأییدی بر تصمیم شورا زده‌اند. در قطعنامه ۱۹۶۶ به همکاری سازمان‌ها و دولت‌ها با مکانیسم اشاره شده است. در مقدمه این قطعنامه همه دولت‌ها موظف به همکاری کاملی با مکانیسم شده‌اند. دولت‌ها براساس تعهدات وارد شده در قطعنامه ملزم به انجام اقداماتی در قوانین داخلی‌شان برای اجرای قطعنامه ۱۹۶۶ و اساسنامه شده‌اند (SC Resolution 1966, 2010: para. 8 & 9). در صورت هر گونه مغایرت ایجاد مکانیسم با قوانین بین‌المللی، مخالفت از سوی بازیگران این عرصه لازم بود. در نتیجه رضایت ضمنی دولت‌ها در برابر تصمیمات شورای امنیت در زمینه ایجاد محاکم دلیل دیگری است که مشروعیت مکانیسم را تقویت می‌کند.

۳. حفظ و اعاده صلح بین‌المللی

دادگاه‌ها در شرایطی ایجاد شده‌اند که کشورهای یوگسلاوی سابق و رواندا با جنگ مسلحانه مواجه بودند. یکی از ایرادات وارد به صلاحیت دادگاه یوگسلاوی در قضیه تادیچ، فقدان بروز جنگ بین‌المللی و در نتیجه متهم مدعی عدم صلاحیت دادگاه بود. با دقت نظر بر ابعاد و آثار ارتکاب جرائم درمی‌یابیم که شورای امنیت در اقدام براساس فصل هفت منشور ملل متحد مبتنی بر معیارهای آن (تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه) رفتار کرده است (Donlon, 2013: 221). اکنون که جنگی در این سرزمین‌ها نیست، چگونه می‌توان ایجاد مکانیسم را دلیلی بر حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی دانست؟ براساس دستور شورای

امنیت بر راهبردهای اختتام‌بخشی، مأموریت دادگاه‌ها به پایان رسید. همچنین دادگاه‌ها عملکردهای مستمری دارند که باید حتی پس از پایان مأموریت آنها تداوم یابند. استمرار کارکردهای دادگاه‌ها در صلح و امنیت بین‌المللی تأثیرگذار است؛ در نتیجه حتی با نبود جنگی (اعم از داخلی و بین‌المللی) می‌توان تأسیس مکانیسم را مشروع دانست.

۴. ماده ۲۹ منشور سازمان ملل

منشور سازمان ملل در ماده ۲۹ مبنای حقوقی را برای ایجاد ارگان‌های فرعی (دائمی یا موقتی) توسط شورای امنیت فراهم کرده است (Simma et al., 2002: 987). براساس این ماده، «شورای امنیت می‌تواند آن‌گونه از ارکان فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بداند تأسیس کند». بر این اساس، شورای امنیت با تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و ایجاد مکانیسم، کارکردهای مختلف مربوط به شورا را از طریق این ارگان‌ها اعمال کرده است؛ از جمله مسئولیتش در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. بر این اساس تصمیمات مکانیسم همچون دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای دولت‌ها الزام‌آور است، زیرا نهادی برآمده از اختیارات شورای امنیت است و از این طریق مشروعیتش احراز می‌گردد (ذاکریان و آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

۵. نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴ در خصوص آثار جبران خسارت صادره توسط دادگاه اداری سازمان ملل متحد، نظر مشورتی خود را صادر کرد. در این رأی مشورتی دیوان به مشروعیت تأسیس دادگاه اداری سازمان ملل توسط مجمع عمومی پرداخت. با دقت نظر بر این نظر مشورتی، می‌توان از آن برای مشروعیت مکانیسم نیز بهره برد. مکانیسم ملل متحد نهاد قضایی مستقلی است که آرای قطعی و نهایی صادر می‌کند. طبق نظر دیوان در رأی مذکور، اگر در کارکرد سازمان ملل اختیار تأسیس نهاد قضایی ضروری باشد، تأسیس چنین نهادهایی مشروعیت دارد (بیگدلی، ۱۳۸۷: ۹۰). به نظر می‌رسد با توجه به راهبردهای اختتام‌بخش به مأموریت دادگاه‌ها از یک سو و ضرورت تداوم نهاد قضایی در خصوص کارکردهای باقی‌مانده دادگاه‌ها از سوی دیگر، ضرورت تأسیس مکانیسم به‌عنوان نهاد فرعی با استدلال دیوان، مشخص می‌شود.

۶. حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

نکته شایان توجه، مسئولیت سازمان ملل در قبال حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. تشکیل دادگاه‌های کیفری و مکانیسم از اقدامات سازمان ملل و به‌طور خاص شورای امنیت

(به‌عنوان نهاد مسئول در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) در حمایت از حقوق بشر از جمله حقوق قربانیان و شهود تأثیرگذار است (بیگزاده، ۱۳۷۴: ۵۸). در نتیجه با تبیین تداوم کارکردهای ضروری دادگاه‌ها در پایان مأموریتشان و اهمیت مبارزه با بی‌کیفری و تدقیق در استدلال‌های ذکرشده، حول ماده ۴۱ منشور ملل متحد، مشروعیت تأسیس آن احراز می‌شود (SC Resolution 1966, 2010: para.4-5).

نوآوری‌ها و چالش‌های مکانیسم

پیش از این، در خصوص چرایی تشکیل و مبانی مشروعیت‌خشی به مکانیسم بحث شد. نوآوری‌های مکانیسم و چالش‌هایی که در ساختار و کارکرد، با آنها روبه‌روست، در ادامه بررسی می‌شود. در قسمت پایانی تأثیر مکانیسم بر آینده عدالت کیفری و ایجاد مدل جدیدی از رسیدگی‌ها و حمایت‌های کیفری واکاوی خواهد شد.

۱. نوآوری‌های مکانیسم

حجم گسترده، ساختار پرهزینه و رسیدگی کند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا تجربه‌ای در حقوق کیفری بین‌المللی ایجاد کرد که بنابر آن در تأسیس مکانیسم تلاش شد تا از تکرار تأسیس چنان ساختارهای پرهزینه‌ای دوری شود. ساختار کوچک، موقتی و کم‌هزینه مکانیسم، علاوه بر مؤثر بودن سرعت بیشتری در رسیدگی به پرونده‌ها دارد. شورای امنیت با طراحی جدیدی، سعی در ایجاد تشکیلات کوچک‌تر کرد که در عین حال تأثیر و مزیت‌های بیشتری به همراه داشته باشد. در قطعنامه ۱۹۶۶ و گزارش‌های سالانه به ماهیت موقتی مکانیسم اشاره شده است (Fifth Annual Report of MICT, 2017: para 31). در ماده ۱ اساسنامه صلاحیت مکانیسم از جنبه زمانی نیز همان صلاحیت دادگاه‌های کیفری است. علاوه بر این، متعاقب حجم و کارکنان و وظایف کمتر، مکانیسم هزینه‌های کاهش‌یافته‌ای دارد.

۲. چالش‌های ساختاری

از تفاوت‌های بارز مکانیسم، مدل فعالیت قضات و تعداد قضات آن است. قضات مکانیسم، قاضی تمام‌وقت نیستند و تنها قاضی حاضر، ریاست مکانیسم است. ۲۵ قاضی دیگر، نامشان در فهرستی است که در صورت ضرورت به دستور ریاست حاضر می‌شوند و به انجام وظیفه می‌پردازند (SC Resolution 1966 Annex 1, 2010: Art. 8). در غیر این صورت قضات مکانیسم از راه دور، در کشورهای خود انجام وظیفه می‌کنند. یکی از مسائل برآمده از این

موضوع، برخورد مقامات و مجریان قوانین داخلی با قضات بین‌المللی سازمان ملل است که در گذشته نیز مشکل‌آفرین بود. ماده ۲۹ اساسنامه مکانیسم مصونیت قضات را ذکر کرده است (SC Resolution 1966 Annex 1, 2010: Art. 29). در صورتی که راه‌حل مناسبی برای مصونیت دیپلماتیک قضاتی که از راه دور انجام وظیفه می‌کنند، ایجاد نشود، چالش مذکور همچنان پایدار خواهد ماند و به روند کار مکانیسم آسیب خواهد زد.

۳. چالش‌های کارکردی

به لحاظ کارکردی نهاد جدید ملل متحد برای دادگاه‌ها به دور از نقد نمانده است. تأخیر در رسیدگی‌های مکانیسم که حقوق متهم را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و نوآوری اندک، از نقدهای وارد بر مکانیسم است. در این قسمت عملکردهای مورد نقد مکانیسم تشریح می‌شود.

۳.۱. تأخیر در رسیدگی‌ها

با نگاهی به مواد حاکم در مورد مدیریت انتقالی، ضمیمه دوم قطعنامه ۱۹۶۶، می‌توان تأخیر را در رسیدگی مشاهده کرد. اگر متهم ۱۲ ماه یا کمتر از زمان آغاز به کار شعب مکانیسم بازداشت شود (اگرچه دادگاه‌ها صلاحیت آماده‌سازی محاکمه یا صلاحیت ارجاع پرونده چنین اشخاصی را به محاکم ملی دارند)، با شروع فعالیت مکانیسم، صلاحیت رسیدگی و محاکمه در اختیار این نهاد است. همچنین دستور به محاکمه مجدد توسط دادگاه یوگسلاوی و دادگاه رواندا شش ماه یا کمتر از زمان آغاز به کار شعب مکانیسم، به رسیدگی در مکانیسم منجر می‌شود (SC Resolution 1966 Annex 2, 2010: Art. 1(2)(3)). در مواردی که متهم در فواصل زمانی گفته‌شده، پیش از آغاز به کار مکانیسم بازداشت شود یا برای وی دستور به محاکمه مجدد صادر شود (در صورت عدم ارجاع به دادگاه ملی)، باید مدت زمانی را در بازداشت دادگاه‌ها در انتظار محاکمه می‌ماند. تأخیر گفته‌شده، مخالف حق متهم به دادرسی منصفانه و سریع است. این تأخیر ناشی از ترتیبات انتقالی دادگاه‌ها، به دلیل روز مشخصی است که شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۶۶ برای مکانیسم تعیین کرده است (Denis, 2011: 824).

۳.۲. نوآوری اندک

با نگاهی کلی به اساسنامه‌های دادگاه‌ها می‌توان انعکاس بسیاری از مواد آن را بر اساسنامه مکانیسم دریافت. مکانیسم مانند آنها از صلاحیت متقارن با محاکم ملی برخوردار است و در عین حال در رسیدگی به جرائم تحت صلاحیتش از اولویت نسبت به محاکم ملی بهره می‌برد (SC Resolution 1966, 2010: Art. 5). قاعده منع تعقیب مجدد در اساسنامه هر سه نهاد

موجود است. نحوه انتخاب قضات مکانیسم تفاوتی با نوع انتخاب قضات در دادگاه‌ها ندارد. حقوق متهم در رسیدگی‌ها از جمله برابری افراد در برابر مکانیسم، رسیدگی علنی و منصفانه، اصل برائت، تفهیم اتهام به زبانی که متهم متوجه شود، زمان و امکانات کافی برای آماده کردن دفاعیات و ارتباط با وکیل خود، عدم تأخیر در رسیدگی‌ها و...، همان حقوقی است که در ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی و ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا بیان شده است. نحوه تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی در مکانیسم همانند این رسیدگی‌ها در دادگاه‌هاست. تفاوت میان نحوه رسیدگی و مسائل ساختاری مکانیسم با نهادهای پیشین خود، این است که در مکانیسم، رسیدگی با یک قاضی علاوه بر شعبه بدوی سه‌نفره نیز امکان‌پذیر است. حمایت از شهود نیز در مکانیسم دنباله‌رو این نوع حمایت‌ها در دادگاه‌هاست (SC Resolution 1966, Art. 20: 2010). مکانیسم در اجرای وظایف و کارکردهایش از جمله نظام حاکم بر اجرای احکام، اعطای عفو و تخفیف از مجازات نیز با دادگاه‌ها هماهنگی دارد. از این نظر نوآوری زیادی در این نهاد به چشم نمی‌خورد. به‌منظور از بین رفتن شائبه همسانی مکانیسم با دادگاه‌ها ضروری است که تمایزات میان مدل جدید رسیدگی با دادگاه‌ها بیان شود. مهم‌ترین تفاوت‌های میان مکانیسم و دادگاه‌ها در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. برخلاف دادگاه‌ها، در مکانیسم رسیدگی بدوی با یک قاضی امکان‌پذیر است؛
۲. حضور نداشتن قضات در مکانیسم؛
۳. نبود قضات ویژه در مکانیسم؛
۴. میزان عفو اعطاشده در مکانیسم دوسوم مجازات است، درحالی‌که عفو اعطاشده در دادگاه رواندا سه‌چهارم بود؛
۵. ریاست مکانیسم (با اطلاع کشور اجراکننده حکم) به‌تنهایی براساس اصول کلی حقوق و منافع عدالت، عفو اعطا می‌کند، در صورتی‌که ریاست دادگاه‌ها پس از مشورت با قضات در این باره تصمیم می‌گرفت؛
۶. مسئولیت مکانیسم نسبت به شهود و قربانیان خود علاوه بر مسئولیتش در خصوص شهود و قربانیان دادگاه‌ها.

مکانیسم و آینده عدالت کیفری بین‌المللی

نهادهای قضایی مانند دادگاه اختصاصی سیرالئون، شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج و دادگاه اختصاصی لبنان و دیوان کیفری بین‌المللی از نهادهایی هستند که بنای نظام کیفری بین‌المللی را شکل داده‌اند. تجربه ارکان فرعی شورای امنیت اهمیت زیادی دارد و می‌تواند سابقه مؤثری برای دادگاه‌های مختلف باشد. با توجه به اینکه این نهادها همچون دادگاه یوگسلاوی و دادگاه

رواندا با مسائلی روبه‌رو هستند که ماهیت موقتی دارند، تجربه مکانیسم برای دیگر نهادهای بین‌المللی نیز می‌تواند جالب توجه باشد. نه تنها نهادهای کیفری اختصاصی که بازه زمانی محدودی دارند، حتی نهادهای کیفری دائمی نیز می‌توانند در پیشبرد موضوعات موقتی خود از آن بهره بگیرند. مکانیسم دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به‌عنوان اولین تجربه ملل متحد در ایجاد چنین مدل‌هایی، سابقه مؤثری در این زمینه است (Soufi & Maurice, 2015: 564).

دیوان کیفری بین‌المللی به‌منظور تکمیل اقداماتش در کشورهایی که با آنها درگیر است، نیازمند ساختارهایی کوچک و مؤثر و کم‌هزینه است (Soufi & Maurice, 2015: 564). با توجه به دائمی بودن دیوان، ضرورت راهبردهایی به‌منظور تکمیل اقدامات آن مانند دادگاه یوگسلاوی و دادگاه رواندا وجود ندارد. اگرچه به‌نظر می‌رسد در مورد تمرکز بر موقعیت‌های خاص ملاحظاتی مورد توجه دیوان است (ICC Doc, 2013: para. 8)، از این‌رو دیوان پس از خاتمه رسیدگی به یک پرونده، در خصوص اجرای احکام، حمایت‌های مستمر از شهود، رسیدگی به درخواست دولت‌ها برای دسترسی به ادله و تجدیدنظر در احکام، همچنان مسئولیت دارد (ICC Doc, 2013: para. 14). این مسائل همانند موضوعات موقتی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است، اما «تکمیل فعالیت‌های قضایی در چارچوب دیوان به‌طور عمده‌ای از دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی اختصاصی متفاوت است» (ICC Doc, 2013: para. 15). «مدیریت منابع انسانی (مانند حقوق کارکنان)، اجرای احکام، وضعیت اشخاص تبرئه‌شده، ملاحظه درخواست‌های احتمالی برای تجدیدنظر در احکام، حمایت از شهود، مدیریت آرشیو، اطمینان از دسترسی به سوابق و مدارک و دیگر منابع...» (ICC Doc, 2013: para. 23)، موضوعاتی‌اند که پس از اتمام فعالیت‌های قضایی اصلی در مورد یک وضعیت در دیوان مورد توجه هستند. چنین موضوعاتی در نظام حقوق کیفری بین‌المللی اهمیت دارند، زیرا حمایت‌ها پس از اختتام رسیدگی‌ها، می‌تواند تأثیر مهمی بر حقوق قربانیان و شهود و به‌طور کلی مبارزه با بی‌کیفری بگذارد. دیوان کیفری بین‌المللی نیز برای نیل به چنین مقصودی و مبارزه با بی‌کیفری (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۸) ناگزیر از تشکیل ساختاری در این زمینه است. تجربه مکانیسم دادگاه‌های کیفری بین‌المللی می‌تواند مفید واقع شود. اگرچه دیوان نهاد یا نهادهای جداگانه‌ای را برای رسیدگی به هر وضعیتی تأسیس نمی‌کند، اما مأموریت‌هایی با ماهیت مأموریت مکانیسم با توجه به اساسنامه در نظر دارد.

نتیجه‌گیری

دادگاه یوگسلاوی سابق پس از ۲۴ سال فعالیت در ۲۰۱۷ به مأموریت خود پایان داد. پیش از آن در سال ۲۰۱۵، دادگاه رواندا تعطیل شد. ساختار حجیم، کارکنان فراوان دادگاه‌ها و روال

کند دادرسی آنها، همچنین هزینه‌هایی که سال به سال بر آن افزوده می‌شد، سازمان ملل را در تشکیل نهادهای مشابه به‌منظور تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی دچار مشکل کرد. از این رو شورای امنیت قطعنامه‌ای را به رأی گذاشت که در پی آن نهادی فرعی در شورا تأسیس شد. شورای امنیت نهاد جدید دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را مبتنی بر فصل هفت منشور ملل متحد و ماده ۴۱ و اختیارات برآمده از آن ماده شکل داد. همچنین براساس ماده ۲۵، شورا با تأسیس نهاد فرعی جایگزین دادگاه‌ها گامی در جهت پایان‌بخشی به مأموریت دادگاه‌ها و استمرار کارکردهای ضروری دادگاه‌ها به‌منظور مبارزه با بی‌کیفری برداشت. این نهاد در سال ۲۰۱۲ با دو شعبه در دو کشور جداگانه هلند و تانزانیا، وظایف دادگاه‌ها را بر دوش گرفت. با مطالعه دقیق این نهاد می‌توان آن را نه یک دادگاه، بلکه روشی دانست که در پیشبرد حمایت‌های کیفری بین‌المللی در نبود محاکم عمل می‌کند که نه هزینه‌های سنگین آنها را دارد و نه حجم پیچیده آنها را. کاربرد چنین مکانیسم‌هایی امروزه بیش از پیش احساس می‌شود. چنین رویه‌ای را برای دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان روندی ضروری دانست. این محکمه نیز نیازمند اقداماتی پس از پایان رسیدگی‌هایش در خصوص وضعیت‌های متعددی است که در هر مورد، کشوری را درگیر می‌کند.

این نهاد همراه با مزیت‌هایی که در عرصه رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی دارد، در بطن خود به دو راز مشکلات نمانده است. از جمله چالش‌های مکانیسم، با توجه به تاریخ آغاز به کار مکانیسم، تأخیر در رسیدگی‌هاست که در آغاز تأسیس، امری اجتناب‌ناپذیر بود. نوآوری‌های اندک مکانیسم از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند به این بدفهمی منجر شود که این نهاد صرفاً جایگزین محاکم یوگسلاوی و رواندا شده که تحلیل نادرستی از ماهیت مکانیسم است.

شایان ذکر است که از رهگذر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، میراث غنی در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی شکل گرفت که با وجود مکانیسم، حفظ سوابق و مدارک آن امکان‌پذیر می‌گردد. علاوه بر آن شهود و قربانیان از حمایت‌های مستمر بهره می‌برند و محاکم ملی علاوه بر اینکه مورد نظارت مکانیسم هستند، از حمایت‌های آن برخوردارند. مسئولیت مکانیسم به‌منظور تکمیل رسیدگی‌های دادگاه‌ها و تلاش برای بازداشت متهمان متواری نیز بر اهمیت تأسیس این نهاد افزوده است. در نتیجه مکانیسم را می‌توان روش کوچک، کم‌هزینه و مؤثری دانست که در جهت مبارزه با بی‌کیفری و حفظ میراث دادگاه‌ها تلاش می‌کند و در طول زمان وظایفش کاسته می‌شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بیگدلی، محمدرضا؛ زمانی، سید قاسم؛ حییبی مجنده، محمد؛ ساعد، نادر؛ عبداللهی، محسن؛ نژندی‌منش، هیبت‌الله؛ عبدی، ایوب؛ وکیل، امیرساعد؛ فاتح، علی؛ ضیاء‌الدینی، امیر (۱۳۸۷). *آراء و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*، ج ۱، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

ب) مقالات

۲. بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۷۴). «سازمان ملل متحد محاکم کیفری بین‌المللی، تئوری و عمل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۸، ص ۱۴۶-۳۹.
۳. ذاکریان، مهدی؛ آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ش ۱، ص ۲۴۲-۲۱۳.
۴. رحیمی، حسن (۱۳۹۲). «درآمدی بر دادگاه‌های دوگانه در نظام کیفری بین‌المللی»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ش ۱۴، ص ۱۲۳-۹۹.
۵. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). «تروریسم و نظام عدالت کیفری: دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه مختلط»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۲، ص ۲۰۹-۱۸۳.
۶. طباطبایی، سید احمد؛ میری، حمید (۱۳۸۴). «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، *اندیشه‌های حقوقی*، ش ۹، ص ۶۶-۳۵.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Bigdeli, Mohammad Reza (2006). *Opinions and Recommendations of International Court of Justice*, Thhrnn nn vrrsyyy of Ammihm Tbbbbb Publication, Vol. 1. (In Persian).
2. Cryer, R. Friman, H. Robinson, D. & Wilmshurst, E, (2010). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, New York: Cambridge University Press.
3. Goldstone, R. J. & Smith, A. M, (2015). *International Judicial Institutions: the Architecture of International Justice at Home and Abroad*, New York: Routledge.
4. O'keefe, R. (2015). *International Criminal Law*, London: OUP Oxford.
5. Simma, B. Mosler, H. Paulus, A. & Chaitidou, E, (Eds.), (2002). *The Charter of the United Nations: a Commentary*, Vol. 1, London: Oxford University Press.

B) Articles

6. Baygzadeh, Ebrahim (1995) "United Nation International Criminal Tribunals: Theory and Practice" *Journal of Law Research*, Vol 18, pp. 39-146. (In Persian).
7. Cassese, A, (2012), "The Legitimacy of International Criminal Tribunals and the Current Prospects of International Criminal Justice", *Leiden Journal of International Law*, Vol 25, Issue 2, pp. 491-501.
8. nnn ss, C, (2011), "Cr rrvveew of th 'Rdddđ Funooons' of hh Mechanism and its Date of Commencement (including Transitional Arrangements)", *Journal of International Criminal Justice*, Vol 9, Issue 4, pp. 819-837.
9. Donlon, F, (2013), "The Transition of Responsibilities from the Special Court to the Residual Special Court for Sierra Leone: Challenges and Lessons Learned for Other International Tribunals", *Journal of International Criminal Justice*, Vol 11, Issue 4, pp. 857-874.
10. Galand, A. S, (2017), "Was the Residual Mechanism's Creation Falling Squarely within the Chapter VII Power of the Security Council?", *QIL, Zoom-in* 40, pp. 5-20.
11. Rahimi, Hassan (2013) "An Overview of Bilateral Courts in International Criminal System" *International Police Studies*, Vol 14, pp. 99-123. (In Persian).
12. Salimi Torkamani, Hojat (2018) "Terrorism and the System of Criminal Justice: International Criminal Justice or a Mixed Court" *Journal of Criminal Law*, Vol 2, pp. 183-209. (In Persian).
13. Soufi, J. & Maurice, S, (2015), "Structure, Functions and Initial Achievements of the Mechanism for International Criminal Tribunals (MICT)", *International Criminal Law Review*, Vol 15, Issue3, pp. 544-564.
14. Tabatabai, Seyed Ahmad & Miri, Hamid (2005) "International Criminal Tribunal of Rwanda", *Legal Thoughts*, Vol 9, pp. 35-66. (In Persian).
15. Zakerian, Mahdi. & Aghaalikhani, Mahdi (2011) "the Assessment of International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia: Activities and Achievements" *Journal of Foreign Policy*, Vol 1, pp. 213-242. (In Persian).

C) Resolutions

16. S/RES/955, (8 November 1994).
17. S/RES/1503, (28 August 2003).
18. S/RES/1966, (22 December 2010).

D) Reports

18. International Mechanism for Criminal Tribunals: Fifth Annual Report of the International Residual Mechanism for Criminal Tribunals, (1 August 2017), (A/72/261-S/2017/661).
19. Report of the Court on Complementarity: Completion of ICC Activities in a Situation Country, (15 October 2013), ICC Doc. ICC-ASP/12/32.

E) Decision

20. Prosecutor v. Tadic, Case IT-94- 1-AR72, Appeal on Jurisdiction (Oct. 2. 1995).